

سینمای کودک و نوجوان در بوته‌ی نقد

## کودکان و نوجوانان در فیلم‌های ایرانی (بخش سوم)

### جبار آذین

#### ۱۳۵۱: سفر به شهر خاکستری

۸ فیلم کوتاه و ۴ انیمیشن نتیجه‌ی تولید سال ۱۳۵۱ در ارتباط با کودکان و نوجوانان است: «ایستادن ممنوع» (محصول سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان: افشین شرکت، ۱۶ م.م. سیاه و سفید، ۱۸ دقیقه)، «پری» (محصول ک.پ.ف.کن، نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان: ذکریا هاشمی، ۲۵ م.م. رنگی، ۳۶ دقیقه، داستانی)، «پ مثل پلیکان» (محصول سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان: پرویز کیمیای، ۱۶ م.م. سیاه و سفید، ۲۶ دقیقه، داستانی)، «حوزه‌ی استحفاظی» (تولید: کانون، نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان: آراییک باغداساریان، ۲۵ م.م. سیاه و سفید، ۱۷ دقیقه، داستانی)، «زنگ تفریح» (تولید: کانون، نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان: عباس کیارستمی، ۲۵ م.م. رنگی، ۱۷ دقیقه، مستند - داستانی)، «سیاه و سفید» (تولید: کانون، کارگردان: سهراب شهیدثالث، ۳۵ م.م. سیاه و سفید، ۴ دقیقه، مستند)، «ما از راه دیگر

می‌رویم» (محصول ک.پ.ف.کن، نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان: نادر ابراهیمی، ۱۶ م.م. رنگی، ۲۶ دقیقه، داستانی) و «سفر» (تولید: کانون، نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان: بهرام بیضایی، ۳۵ م.م. رنگی، ۳۳ دقیقه، داستانی). فیلم سفر قصه‌ی فرار از تلخی‌هاست در قالب سرنوشت محتوم دو پسر بچه که یکی در آرزوی یافتن پدر و مادر و دیگری در حسرت یافتن شغلی آبرومند و مناسب است. راه سفر ناهموار است و مسافران کوچک، خام و بی‌تجربه؛ آن دو باید در طول سفر تجربه‌ها بیندازند و قابلیت‌های خود را بارور سازند. کند و کاو در روحیه و توان کودکان به منظور آرایه‌ی تصویری واقعی از زندگی آن‌ها و هم‌چنین درک و عرضه‌ی آمال و توانمندی‌هایشان از ویژگی‌های مثبت فیلم سفر است. سفر داستانی به ظاهر ساده دارد اما چون دیگر آثار «بیضایی» از سمبل و تمثیل بهره می‌گیرد. فیلمساز در این اثر در واقع به نوعی هفت‌خوان نظر دارد و قهرمانان فیلمش باید از این هفت‌خوان عبور کنند تا به مقصود برسند هرچند که در لحظاتی از فیلم شخصیت‌های اصلی در حاشیه قرار می‌گیرند و فیلمساز به

آرایه‌ی مسایل اجتماعی گریز می‌زند، با این حال سفر مخاطب نوجوان خود را راضی می‌کند. «شهر خاکستری» (تولید: کانون، نویسنده‌ی فیلمنامه، کارگردان و فیلمبردار: فرشید مثقالی، ۳۵ م.م. رنگی، ۹ دقیقه، انیمیشن)، «گلباران» (تولید: کانون، کارگردان: علی‌اکبر صادقی، ۲۵ م.م. رنگی، ۸ دقیقه، داستانی)، «یک نقطه‌ی سبز» (تولید: کانون، نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان: مرتضی ممیز، ۳۵ م.م. رنگی، ۵ دقیقه، آموزشی) و «من چقدر می‌دانم» (تولید: کانون، کارگردان: نفیسه ریاحی، ۳۵ م.م. رنگی، ۶/۳۰ دقیقه، داستانی - آموزشی).

فیلم یک نقطه‌ی سبز، فیلمی است که می‌کوشد از طریق طرح و رنگ، مفاهیمی را به مخاطب خود القا کند؛ مجموعه‌ی از نقاط سیاه، یک نقطه‌ی سبز را احاطه کرد تا در نقطه‌ی سبز آن قدر تلاش می‌کند تا بر کل زمینه سبزی را حاکم می‌گرداند. فیلم از مفهومی خوب برخوردار است اما به هیچ عنوان برای کودک و نوجوان - آن هم در سال ۱۳۵۱ - جذاب و قابل درک نبود. یک نقطه‌ی سبز، یک کار فرمالیستی است که مخاطب آن را بزرگسالان تشکیل می‌دهند. این اثر نیز در راستای تولید آثار روشنفکری با استفاده از قالب‌ها و فرم‌هایی جذاب برای کودکان و نوجوانان قرار دارد.

#### ۱۳۵۲: اون شب که بارون اومد

در این سال فیلمسازی سازمان یک اثر در ارتباط با کودکان و نوجوانان تحویل جامعه می‌دهند، فیلمی که همان خصوصیات آثار مبتذل و حال و هوای دنیای لمپنیسم را در خود جای داده بود. این فیلم که «جنگجویان کوچولو» نام دارد و «سماعیل کوشان» فیلمنامه‌ی آن را نوشته و تهیه و کارگردانی کرده است، به طریق ۳۵ میلیمتری، رنگی و در ۹۸ دقیقه ساخته شده و در آن به نقش بچه‌ها در مقابله با مهاجمان به کشور پرداخته شده است. جنگجویان کوچولو، با توسل به یک داستان در هم ریخته‌ی تقلبی و تقلیدی از سینمای بیگانه و ساختاری بسیار



ضعیف - و با نظری سطحی به کودکان و نوجوانان و سوءاستفاده از آن‌ها به صورت ابزاری برای تجارت - ساخته شد کودکان و نوجوانان در این فیلم نقشی حاشیه‌یی و در جهت خدمت به پادشاهان دارند.

«یک اتفاق ساده» (محصول مرکز سینمایی سمعی و بصری کشور و وزارت فرهنگ و هنر، کارگردان: سهراب شهیدتالت، ۳۵ م.م. رنگی، ۹۳ دقیقه، مستند داستانی)، «اگر» (محصول کانون، کارگردان: ارسلان ساسانی، ۱۶ م.م. رنگی، ۱۶ دقیقه، داستانی) و «اون شب که بارون اومد» (حماسه‌ی روستازاده‌ی گرگانی، محصول اداره‌ی کل تولید فیلم و عکس و اسلاید وزارت فرهنگ و هنر، نویسنده کارگردان و تلویزیونگر: کامران شیردل، ۳۵ م.م. سیاه و سفید، ۳۵ دقیقه، مستند).

یک پسر روستایی با آتش زدن کتش باعث می‌شود تا راننده‌ی یک قطار از خرابی ریل آگاه شده و از تصادم نجات یابد مسئولین راه‌آهن عمل توقف قطار را به خود نسبت می‌دهند استاندار پسرک را قهرمان می‌داند، فرماندار هم پسرک و هم مسئولین راه‌آهن ناحیه را در این عمل قهرمانانه سهیم می‌داند و ... به این ترتیب هر کس ساز خود را می‌زند و اصل ماجرا کم‌کم زیر سؤال می‌رود تا آن‌جا که حماسه‌ی پسرک قهرمان کلاً مورد انکار قرار می‌گیرد. اون شب که بارون اومد یک فیلم مستند تحقیقی خوب درباره‌ی یک کودک قهرمان است که مخاطبین آن را همه‌ی افراد جامعه تشکیل می‌دهند فیلمساز با واقع‌نگری و تدوین مناسب از آن

اثری دیدنی ساخته است. این فیلم به لحاظ مضمون و ساخت، مدت‌ها توقیف بود تا آن‌که بعد از انقلاب از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد جستجوی «کامران شیردل» برای کشف حقیقت در این فیلم ستودنی است. فیلم یادشده به دلیل انتخاب سوزهی بکر، بررسی محققانه‌ی چگونگی ماجرای روستازاده‌ی گرگانی و تدوین موازی درست از آثار خوب سینمای ایران است.

«تجربه» (محصول کانون، کارگردان: عباس کیارستمی، ۳۵ م.م. سیاه و سفید، ۶۰ دقیقه، داستانی)، «دار» (محصول کانون، نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان: رضا علامه‌زاده، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۵ دقیقه، داستانی)، «سرگردانی بچه‌ها میان فرامین خدا و رفتار ما» (محصول پلاتو ۱۶، نویسنده‌ی فیلمنامه، کارگردان و آهنگساز: خسرو سینایی، ۱۶ م.م. سیاه و سفید، ۲۰ دقیقه، داستانی)، «سومین فستیوال تابستانی» (محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان: ابراهیم حقیقی، ۱۶ م.م. رنگی، ۱۰ دقیقه، مستند داستانی)، «شاید اگر ...» (عروسکی، محصول پلاتو ۱۶، نویسنده‌ی فیلمنامه، کارگردان، فیلمبردار و آهنگساز: خسرو سینایی، ۱۶ م.م. رنگی، ۱۴ دقیقه، داستانی)، «شهری دیگر» (محصول کانون، کارگردان و نویسنده فرهاد شبانی، ۳۵ م.م. سیاه و سفید، ۹/۳۰ دقیقه، مستند داستانی)، «کلاغ‌ها» (محصول مدرسه‌ی عالی تلویزیون در سینما، نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان: غلامرضا آزادی، ۱۶ م.م.

سیاه و سفید، ۱۲ دقیقه، داستانی)، «هرگز» (محصول کانون، نویسنده‌ی فیلمنامه و کارگردان: اسفندیار منفردزاده، ۳۵ م.م. رنگی، ۴ دقیقه، داستانی)، «ارزش هر چیز» (محصول اداره‌ی کل امور سینمایی کشور و وزارت فرهنگ و هنر، کارگردان: دلارا رسولی، ۳۵ م.م. رنگی، ۴ دقیقه، انیمیشن) و «استقلال» (محصول کانون، کارگردان: پرویز نادری، ۳۵ م.م. رنگی، ۵ دقیقه، انیمیشن - داستانی).

زندگی مشترک دو نفر در یک سیاره به بن‌بست می‌رسد اختلاف میان آن‌ها سبب دو نیم شدن سیاره می‌شود قدرت جاذبه از بین می‌رود و زندگی آن دو همسایه نیز به مخاطره می‌افتد. فیلم زیبا و گویای استقلال، به لحاظ مضمون و پرداخته، اثری بسیار تأثیرگذار است. این فیلم با داستانی به ظاهر ساده از محتوایی والا سخن می‌گوید. همزیستی مسالمت‌آمیز، تضاد و اختلافات بین انسان‌ها، زیاده‌خواهی بشر و «من» پرستی مضامین این فیلم را تشکیل می‌دهند. فیلم انیمیشن استقلال با آن که حرفی هم‌مفهوم دارد اما مخاطبین واقعی آن را بزرگسالان تشکیل می‌دهند فیلم یادشده از جمله آثاری است که حرف خود را با استفاده از زبان رمز و استعاره عنوان می‌کند و در رده‌ی فیلم‌های روشنفکری قرار می‌گیرد. از این فیلم می‌توان برداشته‌های متفاوتی داشت، برای مثال دو همسایه را دو ابرقدرت جهانی در نظر گرفت و بر این مبنای تحلیل موقعیت‌های جغرافیایی و اختلاف ارضی و عقیدتی آن‌ها نایل آمد. در هر حال فیلم استقلال، کار درخور توجهی است.



سال ۱۳۵۳ در عرصه‌ی سینمای متعلق به کودکان و نوجوانان، سال بسیار پرباری بود و در این سال با عنایت مراکز آموزشی و سینمایی به مقوله‌ی فیلم و سینما و نقش تربیتی و آموزشی آن، فیلم‌های نسبتاً زیادی تولید شد



«رنگین کمان» (محصول کانون، کارگردان: نفیسه ریاحی، ۳۵ م.م. رنگی، ۶/۳۰ دقیقه، انیمیشن مستند آموزشی)، «کرم خیلی خیلی خوب» (محصول کانون، نویسنده فیلمنامه، کارگردان و نقاش: فرشید منقالی، ۲۵ م.م. رنگی، ۳/۳۰ دقیقه، انیمیشن - داستانی)، «سیاه‌پرنده» (محصول کانون، کارگردان: مرتضی ممیز، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۰ دقیقه، انیمیشن - داستانی) و «من آنم که ...» (محصول کانون، کارگردان: علی‌اکبر صادقی، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۱ دقیقه، انیمیشن - داستانی).

با طلوع خورشید دو لشکر مقابل هم صف‌آرایی می‌کنند و رزم‌آوران هر دو جناح پا به میدان نبرد می‌گذارند و هم‌آورد می‌طلبند و هر کدام از بیم و هراس دیگری رجز می‌خوانند ... فیلم من آنم که ... یک اثر انیمیشن زیباست که تصاویر نقاشی خوب، خلق فضاها و شخصیت‌هایی متناسب با فرهنگ ایران باستان، محتوایی ارزشمند و ترکیب نماهای گویا از امتیازات آن است. در این فیلم پهلوانان دروغین تا دست از رجزخوانی نکشیده‌اند، پی در پی شکست می‌خورند و نابود می‌گردند و هنگامی که آخرین بازماندگان دو سپاه با یکدیگر از در دوستی درمی‌آیند و از بیهوده‌گویی دست می‌کشند به مرز لطیف انسانیت می‌رسند. جدا شدن از منیت‌ها، ترک خصومت، طرد لاف زدن، تبدیل شدن جنگ‌افزارها به شاخه‌های گل و ... از جمله مضامین فیلم من آنم که ... است. این فیلم به‌رغم فضای داستانی به ظاهر غیرمرتبط با کودکان و نوجوانان، با محتوا، قالب و بیان خوب، آن‌ها را مخاطب قرار داده است.

«سازدهنی» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: امیر نادری، فیلمبردار: علی‌رضا زرین‌دست، ۳۵ م.م. رنگی، ۷۵ دقیقه، داستانی). سازدهنی به لحاظ گیرایی داستان و فضاها، ساخت سینمایی و واقع‌نگری فیلمساز به مسایل اجتماعی، از جمله فیلم‌های بحث‌برانگیز سال ۱۳۵۲ بود. یک پسر بچه صاحب یک سازدهنی می‌شود، این ساز وسیله‌ای می‌شود تا او به استثنای همسب و سالانش بپردازد؛ «امیرو» یکی از این بچه‌های محروم است که برای ساز زدن تن به سواری دادن پسرک صاحب ساز می‌دهد اما در انتها تصمیم می‌گیرد که از تحقیر شدن خود جلوگیری کند، لذا مقابل پسرک مذکور

می‌ایستد و سازدهنی را به دریا می‌اندازد فیلم سازدهنی به صورتی ساده و روان حرف‌هایش را می‌زند، بدون آن‌که شعار بدهد و یا از خط سینمای قصه‌گو عدول کند. با آن‌که اینک از زمان ساخت فیلم و وضعیت جغرافیایی و سیاسی آن سال‌ها، مدت‌ها می‌گذرد اما به دلیل سوژه‌ی خوب، ساخت جذاب فیلم و لطافت بیان زندگی امیرو فیلم سازدهنی هنوز هم دیدنی است. سازدهنی از بهترین، ملموس‌ترین و مردمی‌ترین آثار امیر نادری است. در این فیلم کمتر از آروغ‌های روشنفکری می‌توان نشان یافت، درست برخلاف فیلم «دونده» که پر است از تمثیل و سمبل که به این فیلم بعلاً خواهیم پرداخت.

با فیلم سازدهنی پرونده‌ی آثار کودکان و نوجوانان در سال ۵۲ بسته می‌شود.

### ۱۳۵۳؛ کیارستمی و مهرجویی در کنار کودکان

سال ۱۳۵۳ در عرصه‌ی سینمای متعلق به کودکان و نوجوانان، سال بسیار پرباری بود. در این سال توجه به اقشار یادشده و عنایت مراکز آموزشی و سینمایی به مقوله‌ی فیلم و سینما و نقش تربیتی و آموزشی آن تولید فیلم‌های نسبتاً زیادی را باعث شد. در سال ۵۳ بالغ بر ۲۲ فیلم کوتاه، داستانی و مستند، انیمیشن و سینمایی عرضه شد. در زیر به معرفی این آثار می‌پردازیم:

«آدم اول» (محصول سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، نویسنده و کارگردان: هوشنگ حافظی، ۳۵ م.م. سیاه و سفید، ۴/۳۰

دقیقه)، «انتظار» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: امیر نادری، ۳۵ م.م. رنگی، ۴۶ دقیقه، داستانی)، «بلبل» (تولید اداره‌ی کل امور سینمایی کشور و وزارت فرهنگ و هنر، نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده: اکبر گلرنگ، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۱ دقیقه)، «به حرف‌های خوب گوش کنیم» (تولید کانون، نویسنده و کارگردان: جواد کهنمویی، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۱ دقیقه، داستانی - آموزشی)، «تفنگ‌ها را بشکنیم» (محصول سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، کارگردان: کیورث مشیری، ۱۶ م.م. سیاه و سفید، ۲۹/۴۱ دقیقه، داستانی)، «جلد» (تولید سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، نویسنده و کارگردان: ابراهیم بهشتی، ۱۶ م.م. سیاه و سفید، ۳۱/۵۷ دقیقه، داستانی)، «حسنی» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: شاپور قریب، ۳۵ م.م. رنگی، ۳۳ دقیقه، داستانی)، «درس معلم از بود» (محصول کانون، کارگردان: ابراهیم فروزش، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۸ دقیقه)، «سارا بیمار است» (محصول کانون، کارگردان: جواد کهنمویی، ۱۶ م.م. رنگی، ۵/۴۵ دقیقه، آموزشی)، «فاخته» (تولید شرکت عیار - تهران، نویسنده و کارگردان: واروژ کریم‌مسیحی، ۳۵ م.م. سیاه و سفید، ۳۱/۴۳ دقیقه، داستانی)، «فرار» (محصول پلاتو ۱۶، نویسنده و کارگردان: خسرو سینایی، ۱۶ م.م. سیاه و سفید، ۳۵ دقیقه، داستانی)، «گردش در یک روز خوش آفتابی» (محصول ک.پ.ف.ک.ن، نویسنده و کارگردان: حسن بنی‌هاشمی، ۳۵ م.م. رنگی، ۲۶ دقیقه، داستانی)، «مسافر» (محصول



**فیلم مسافر از بهترین کارهای «کیارستمی» است**  
**این فیلم مانند تعدادی دیگر از آثار سازنده‌اش از وقایع مستند بهره برده است و با آن‌که سوژه و قهرمان فیلم یک نوجوان است و داستان آن کودکان و نوجوانان را جذب می‌کند اما مخاطب فیلم بزرگسالان هستند**

گذشته توانایی شکار ماهی را ندارد، به همین دلیل نقشه‌ی می‌کشد و با حيله و نیرنگ به فریب ماهی‌ها می‌پردازد و آن‌ها را به قصد رساندن به جایی بهتر می‌رباید و می‌بلعد. خرچنگ نیز هوس می‌کند تا به همراه مرغ ماهیخوار به سرزمین موعود برود اما در بین راه و از فراز آسمان، استخوان ماهی‌هایی را که مرغ ماهیخوار خورده می‌بیند و یک‌باره گردن جانور مکار را آن قدر می‌فشرد تا این جانور کشته می‌شود. فیلم مرغ ماهیخوار که بر اساس افسانه‌ی «کلیله و دمنه» ساخته شده است، اثری زیبا و پرمحتواست و مخاطبین کودک و نوجوان را جذب می‌کند. ساخت فیلم یکدست و منسجم است و تصاویر نقاشی آن زیبا و چشم‌نواز است. این اثر برای مخاطبینش از عاقبت فریکاری و نادرستی سخن می‌گوید و به آن‌ها می‌آموزد که هر چیزی را بدون دلیل و منطق قبول نکنند. فیلم یادشده با استفاده از قالب و داستانی ساده و مناسب و بدون استفاده از سمبل و تمثیل که چندان به مذاق تماشاگران خردسال خوش نمی‌آید و همچنین ساختی منطبق با سلاقی، با توجه به قدرت تفکر و میزان تأثیرپذیری کودکان و نوجوانان تولید شده است و همه‌ی موارد یادشده در جذاب بودن و بیان درست تصویری فیلم بسیار مؤثر بوده‌اند. به اعتقاد بسیاری فیلم مرغ ماهیخوار یک کار ارزشمند و خوب است.

ادامه دارد

مناسب برای کیارستمی در سینمای کودکان و نوجوانان بود.

آثار انیمیشن این سال عبارت‌اند از:

«اتل متل» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: نورالدین زرین کلک، ۳۵ م.م.؛ ۴ دقیقه، داستانی)، «تداعی» (محصول کانون، نویسنده، کارگردان و نقاش: نورالدین زرین کلک، ۲۵ م.م. سیاه و سفید، ۳/۳۰ دقیقه، مستند آموزشی)، «چراغ راهنمایی» (محصول سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، کارگردان، نقاش و فیلمبردار: جواد خانی، ۳۵ م.م. رنگی، ۳/۳۰ دقیقه، مستند آموزشی)، «دوباره نگاه کن» (محصول کانون، نویسنده، کارگردان و طراح: فرشید مقالی، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۰ دقیقه، مستند)، «رخ» (محصول کانون، کارگردان و نقاش: علی‌اکبر صادقی، ۳۵ م.م. رنگی، ۱۰/۳۰ دقیقه، داستانی)، «شست‌وشو» (محصول سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران (بدون تیتراژ)، ۱۶ م.م. سیاه و سفید، ۱/۰۵ دقیقه، داستانی - آموزشی)، «کابوس» (محصول سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده: علی بنایی، ۱۶ م.م. سیاه و سفید، ۱۳/۴۹ دقیقه، داستانی)، «گنج» (محصول کانون، نویسنده و کارگردان: احمد اسبقی، ۳۵ م.م. رنگی، ۶ دقیقه، داستانی) و «مرغ ماهیخوار» (تولید مرکز سینمایی هنرهای زیبای کشور، کارگردان: جعفر تجارچی، ۱۶ م.م. رنگی، ۴/۳۱ دقیقه، داستانی).

مرغ ماهیخوار پیر شده و دیگر چون

کانون، نویسندگان: عباس کیارستمی، داریوش مهرجویی و فریدون دوستدار، بر اساس داستان حیاط پشتی مدرسه‌ی عدل‌آفاق نوشته‌ی فریدون دوستدار، کارگردان: عباس کیارستمی، ۳۵ م.م. رنگی، ۸۶ دقیقه، داستانی)، مسافر، داستان پرسی است که با اتکا به توانایی‌های خود برای تماشای یک مسابقه تصمیم به انجام یک سفر از شهرستان به تهران می‌گیرد. وقتی مسافر (قاسم جولایی) به استادیوم می‌رسد، خواب او را در بر می‌گیرد اما زمانی چشم باز می‌کند که مسابقه تمام شده است. «قاسم جولایی» با آن‌که تا یک قدمی مقصود می‌رود اما موفق به دیدن مسابقه نمی‌شود ولی در مسیر رسیدن به دروازه‌ی آرزوهایش تجربه‌ها می‌آموزد و بارور می‌شود. فیلم مسافر از بهترین کارهای «کیارستمی» است. این فیلم مانند تعدادی دیگر از آثار سازنده‌اش از وقایع مستند بهره برده است و پاره‌ی از صحنه‌ها، بازسازی واقعیت‌های جاری محیط اطراف قاسم جولایی‌اند. با آن‌که سوژه و قهرمان فیلم یک نوجوان است و داستان آن کودکان و نوجوانان را جذب می‌کند اما مخاطب فیلم بزرگسالان هستند، زیرا اشاره به گریز قاسم از شهرستان به تهران، به رغم تکیه بر کامل‌تر شدن او، می‌تواند برای کودکان و نوجوانان بدآموز باشد، همین‌طور هم صحنه‌هایی که پسرک برای به دست آوردن پول لازم دست به کلک و دزدی می‌زند و ... فیلم مسافر تجربه‌ی در زندگی برای قاسم و تجربه‌ی